

بررسی نقش همگرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاستگذاری‌های امنیتی ایران در قبال عراق

صادق زیبا کلام*

استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمد رضا عبدالله پور

کارشناس ارشد سیاستگذاری عمومی و مطالعات ایران دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۷/۵/۱ - تاریخ تصویب: ۱۷/۷/۱۸)

چکیده:

با توجه به اینکه ائتلاف کردها و شیعیان برای منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ضروری و حیاتی است، شناخت دقیق ماهیت و نوع این ائتلاف می‌تواند به سیاستگذاران امنیتی کشور کمک نماید تا بتوان با شناخت بهتر این راهبرد و درک حساسیت این فرصت، سیاستگذاری‌ها و اقدامات لازم را در جهت شکل‌گیری و تحکیم این ائتلاف انجام داد. در این مقاله علاوه بر شناخت ظرایف ائتلاف میان کردها و شیعیان در عراق و تاثیر آن بر سیاستگذاری‌های امنیتی ایران، ماهیت دقیق ضرورت‌های این سیاستگذاری نیز مشخص می‌شود و در پایان به فرصت‌هایی که از قبل این ائتلاف نصیب ایران می‌شود، اشاره خواهد شد.

واژگان کلیدی:

سیاستگذاری امنیتی - ائتلاف کردها و شیعیان عراق - منافع ملی

مقدمه

سیاستگذاری در بعد امنیتی یکی از مهم ترین شاخه های سیاستگذاری عمومی است. از این نگاه، سیاستگذاری در قبال کشورهای همسایه که در حوزه کلی سیاست خارجی یا به عبارتی دقیق تر، سیاستگذاری خارجی قرار می گیرد، مولفه های گوناگون را در برابر دیدگان مشاهده گران و محققان به نمایش می گذارد. این مولفه ها با درک سیاست خارجی به عنوان دنباله ای از سیاست داخلی و استمرار آن، چهره ای آشکار تر به خود می گیرد. در این میان، قرار گرفتن ایران در محیطی پرتنش و داغ، ضرورت یک بازنگری جزئی در سیاستگذاری های مرتبط با تعامل با هر یک از همسایگان بویژه عراق را که در شرایط حساس اشغال به سر می برد به پدیده ای گریز ناپذیر تبدیل می کند. محیط استراتژیک پیرامونی (ج.ا.ا) به صورتی است که کشور عراق به عنوان عضوی از دو منطقه (خلیج فارس و خاورمیانه) از یکسو پیوند دهنده ما به معادلات منطقه ای قدرت در خاورمیانه و از طرف دیگر یکی از رقبای همیشگی ایران در خلیج فارس مطرح می باشد. بافت جمعیتی متنوع و شکاف های قومی چند سویه عراق از نظر آسیب شناسی امنیت منطقه ای و بین المللی و سیاستگذاری های امنیتی همواره نگرانی ایران را در پی داشته است. افزون آنکه شناسایی فرصت های امنیتی ناشی از حضور آمریکا در عراق، نکته دیگری است که سیاستگذاران امنیتی ایران را به خود مشغول می نماید، چرا که باید فرصت های امنیتی را شناسایی کرد و در استخدام سیاست های امنیتی خویش درآورد.

در حال حاضر و با توجه به شرایط خاص حاکم بر عراق و چالش ها، نگرانی ها و فرصت هایی که در این وضعیت حساس بوجود آمده است، لازم است اقدامات عقلانی در برنامه های امنیتی ایران در قبال عراق اتخاذ گردد. در شرایط کنونی که یکی از ویژگی های آن سرعت تحولات و دگرگونی اوضاع است، پویایی سیاستگذاری امنیتی ضرورت اجتناب ناپذیری محسوب می شود. انعطاف و سرعت عمل در انطباق با شرایط جدید، نه تنها در اتخاذ تصمیمات بلکه باید در عرصه عمل نیز مشهود باشد. مقاله حاضر تلاش می کند تا با توجه به مولفه همکاری میان ۲ بخش شیعی و کردی عراق، تاثیرات آن بر موفقیت سیاستگذاری های امنیتی ایران روشن نماید. اگر چه ممکن است ایران در سیاستگذاری های امنیتی خود در برابر عراق راهکارهای متفاوت را اتخاذ نماید اما نوشتار حاضر نشان می دهد که عقلانی ترین گزینه سیاستگذاری امنیتی ایران در عراق همگرایی بین دو بخش کردی و شیعی در عراق است که می تواند تاثیری بسزا در موفقیت سیاستگذاری های امنیتی ایران داشته باشد.

۱- اشغال عراق و پیامدهای امنیتی آن برای ایران

مهم‌ترین پیامد امنیتی اشغال عراق برای ایران، مناسبات منطقه‌ای و بروز امکانات و نگرانی‌های منطقه‌ای در خصوص برآمدن قدرت شیعیان و کردها و به تبع آن رنگ و بوی متفاوت شیعه و کردی در ترتیبات منطقه‌ای است. به طور طبیعی برنده اصلی فروپاشی نظام بعثی عراق، شیعیان و کردهای این کشور می‌باشند. این پدیده بالقوه فرصت و امکاناتی برای ایران فراهم می‌کند می‌گردد و جالب این که چه ایران از این ظرفیت فراهم شده بهره‌بردار می‌گردد و چه نکند، نگرانی بسیاری از بازیگران منطقه که دهه‌های متوالی با سامانه دیگری از قدرت در عراق خو گرفته‌اند، را در بر دارد و به معنای افزایش فضای روانی و استراتژیک برای ایران قلمداد می‌گردد، به طوری که اکثر کشورهای منطقه از رشد هویت‌های کردی و شیعی جدید در عراق ابراز ناخشنودی کرده‌اند.

صرفنظر از هویت ملی شیعیان و کردها و گزینش‌های متفاوت تاریخی و سیاسی آنها با ایران، این پیش فرض در ذهن برخی از مقامات و دست‌اندرکاران منطقه‌ای نه فقط شکل گرفته، بلکه به حالت متصلب درآمده است که به قدرت رسیدن اکثریت شیعه و ظهور روح ملی کرد، در تعارض با منافع دیگر بازیگران منطقه‌ای می‌باشد و این پدیده به نوبه خود، تبدیل به چالشی برای ایران گردیده که چگونه بین گرایش‌ها و واقعیت‌های مختلف منطقه‌ای تعادل مناسب ایجاد نماید (فصلنامه سیاست خارجی، ۱۳۸۳: ۸۰۷). در عین حال باید در نظر داشت که این بحران بین‌المللی و پیامدهای آن امکانات، موقعیت و فرصت‌های خارجی را نیز برای ایران به همراه آورد که در ذیل به صورت اجمال به عمده‌ترین آنها نظر می‌افکنیم.

۱- بحران بین‌المللی عراق، فضای تنفس استراتژیک ایران را بازتر کرد، فروپاشی نظام بعثی عراق به خودی خود فضایی را که چند دهه بر سیاست خارجی ایران بسته بود گشود. در مقام نظری شاید بتوان گفت که فروپاشی حزب بعث، پاره‌ای از مشکلات موجود فکری - عقیدتی میان نخبگان ایران را با هیئت حاکمه عراق کاهش داد (ناردی، ۱۳۸۳، ص: ۷۰). چنین گشایشی امکان تعامل مردم ایران با مردم عراق که قبلاً صرفاً از طریق نظارت شدید دولتی در عراق امکان‌پذیر بود، به صورتی ساختاری دگرگون ساخت.

۲- بحران بین‌المللی عراق، از نظر استراتژیک به افزایش قدرت منطقه‌ای ایران مخصوصاً با توجه به ثبات نسبی داخلی در مقایسه با محیط پیرامون منجر شد، از بین رفتن دشمن‌های ایدئولوژیک - طالبان در شرق و بعثی‌ها در غرب - که تهدیدهای جدی محسوب می‌شدند از نظر منطقه‌ای برای ایران مهم بود. البته ذکر این مطلب به معنای این نیست که چالش‌های ناشی از حضور نظامی آمریکا نادیده انگاشته شود.

۳- از نظر بین‌المللی، اشغال نظامی عراق با کاهش شدید اعتبار جهانی آمریکا و کسر مشروعیت و مقبولیت جهانی

همراه شد. از سوی دیگر در یکی از اصلی‌ترین محورهای حرکت استراتژیک آمریکا که کارآیی مطلق ابزار نظامی در سامان دادن به مناسبات استراتژیک بود، خدشه وارد شد. هر چند که در دوران حملات آمریکا علیه عراق و بلافاصله بعد از فروپاشی نظام بعثی این نگرانی در منطقه و جهان وجود داشت که آمریکا از ابزار نظامی برای مقاصد سیاسی خود استفاده بیشتر خواهد کرد، اما سختی‌های اداره عراق، اختلاف‌های جدی بین سازمانهای درگیر امور عراق در آمریکا، ساختار ویژه و ترکیب قومی و مذهبی عراق و چالش‌های اشغال در نهایت به کاهش اعتبار نو محافظه‌کاران انجامید و این به نوبه خود امکاناتی روانی و اخلاقی بسیاری برای سایر بازیگران منطقه ای و بین‌المللی از جمله ایران فراهم آورد (عزتی، ۱۳۸۳: ۶۶).

۲- جهت‌گیری سیاستگذاری‌های امنیتی ایران در قبال کردها و احزاب کردی

بعد از اشغال عراق

در حال حاضر و بعد از سرنگونی رژیم صدام به نظر می‌رسد که "روح کرد" در چشم‌انداز تحولات خاورمیانه، به خصوص در عراق در حال ظهور است. در همین راستاست که کشورهای همسایه کردها، بخصوص ترکیه و سوریه با توجه به اقلیت‌های فراوان کرد، همیشه تحولات کردستان عراق را زیر نظر داشته‌اند. هم‌اینک نیز این نگرانی وجود دارد که ایالات متحده و اسرائیل بتوانند از نارضایتی‌های قومی و دینی موجود در جهت متزلزل ساختن تمامیت ارضی ایران بهره‌برداری کنند. گرچه به گفته درک کنیان، ناسیونالیست‌های صادق و راستین کرد حسن نیت بسیار زیادی نسبت به ایران دارند، یک احساس قومی در میان آنها وجود دارد که می‌گوید فارس‌ها در مقایسه با ترک‌ها و عرب‌ها خصومت چندانی با هویت کردها ندارند. کردها نیز بسیار خوشحال‌اند که خود را پسر عموی فارس‌ها بدانند (احمدی، قومیت و قومیت‌گرایی، ۸۵).

در حال حاضر نیز با سیاستگذاری‌های امنیتی عقلانی نه تنها باید کردهای عراق را متوجه کرد که قوی‌ترین متحد استراتژیک آنها ایران است بلکه این خود می‌تواند گرایش‌های گریز از مرکز کردهای ایران را نیز به حداقل رساند. کردستان عراق علی‌رغم پیوستگی‌های زبانی، نژادی و فرهنگی با ایران در صورت غافل ماندن امکان دارد با چرخشی در سیاست‌های خود به دامن کشورهای دیگر رفته و ضرری جبران‌ناپذیر را متوجه ایران کند. کردستان عراق در حوزه کشش و رانش ۳ حوزه فرهنگی و تمدنی، ایرانی، عرب و ترک قرار دارد. بعد از اشغال

عراق و تحت فشار این ۳ حوزه و عدم اطمینان در قبال سیاست‌های آمریکا، ناچار متأثر از گونه ای تعبد ژئوپلتیک به سوی اسرائیل کشیده شده است (کاویانی، ۱۳۸۳).

بنابراین تنها گذاشتن کردهای عراق در معادلات منطقه‌ای، علی‌رغم میل باطنی، آنها را متوجه اسرائیل خواهد کرد. کردهای عراق تحت هیچ شرایطی با توجه به مشکلات تاریخی و تناقضات ساختاری، نژادی و فرهنگی متمایل به سوریه و ترکیه نخواهند شد، که این خود برگ برنده ایران در معادلات کردستان و عراق خواهد بود.

پس سیاستگذاری‌های امنیتی ایران در کردستان عراق باید به سویی رود که به کردها بفهماند جدایی در راستای منافع آنها نیست، گرچه به نظر نمی‌رسد آنها نیز چنین ایده ای را نداشته باشند زیرا جلال طالبانی، رئیس جمهور عراق و دبیر کل حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق می‌گوید: "جدایی کردستان در عراق شعار جذابی است اما اکراد آن را نمی‌خواهند، چون به نفع آنان نیست." جلال طالبانی در گفت و گو با روزنامه الشرق‌الاوسط با بیان این مطلب تصریح کرد خلاصه مطلب این است که ما می‌خواهیم بخشی از عراق فدرال و دموکراتیک باشیم. وی در ادامه سخنان خود گفت: "اگر ما از عراق جدا شویم و با همسایگان خود قطع رابطه کنیم، در این صورت چگونه می‌توانیم زندگی کنیم یا نفت صادر کنیم. طالبانی همچنین گفت اکراد نه به خاطر ترس از کشورهای همسایه بلکه خود به این نتیجه رسیده اند که مصلحت آنان در جدا نشدن از عراق است. کردها تنها خواهان تعیین سرنوشت خود هستند (شرق، ۱۳۸۳، ص ۹).

دومین مسأله‌ای که در جهت‌گیری موفق سیاستگذاری‌های امنیتی ایران در عراق حائز اهمیت است آن که به کردها باید نشان داد مهم‌ترین گزینه برای داشتن موقعیت بهتر، ائتلاف آنها با اکثریت شیعه است که این خود یک نفع ۳ سویه برای کردها، شیعیان عراقی و ایران می‌باشد.

احزاب اصلی کردهای عراق با حکومت ایران (سابق و امروز) رابطه ای مبهم و دوگانه داشته اند. به حکومت‌ها اعتماد نداشتند و در دوره هایی با یکدیگر دشمن می‌شدند. برای مثال، کردهای عراق در زمان شورش بارزانی در ۱۹۷۴-۱۹۷۵ به کمک ایران متکی بودند که پس از آنکه شاه از حمایت اش از کردها در آستانه توافق با صدام بر سر اختلاف در مرز مشترک شط‌العرب دست کشید، این وابستگی به هم خورد. دوباره در دهه ۱۹۸۰، در زمان جنگ ایران و عراق، احزاب کرد به شورش متوسل شدند تا با فرصتی رژیم عراق را برای بهتر کردن روابط خود با کردها تحت فشار قرار دهند که در نهایت صدام شورش آنها را در شمال عراق سرکوب کرد. زمانی که شانس موفقیت آنها پائین آمد و بر اثر مواجهه با مبارزه ضد شورش صدام و همچنین بر اثر حملات شیمیایی دچار آوارگی و نابودی بیشتر روستاها و

شهرهایشان شدند و هزاران کرد به دار آویخته شدند، آنها دوباره به طرف ایران روی آوردند (CGI, see Human Right watch, 2004). ایران نیز به خاطر منافع استراتژیک‌اش از کردها حمایت کرد - از شورشیان کرد در اواسط دهه ۱۹۷۰ پشتیبانی مالی کرد - تا از آنها به عنوان اهرم فشار علیه بغداد بر سر سازش در مورد شط العرب استفاده کند و آنها را وارد یک عملیات مشترک نظامی در منطقه حلبچه در مارس ۱۹۸۸ کرد تا از فشار عراق در جبهه جنوبی بکاهد. اکنون در عراق پس از صدام، رابطه دو گانه کردها با ایران و نیز حکومت عراق (که در آن رهبران کرد پست‌های مهم دارند) ادامه دارد. رهبران کردها بر این باورند که به وجود آمدن یک فرصت طلایی و بی‌نظیر برای بدست آوردن خود مختاری و استقلال در شمال عراق نه تنها موجب شده با مقاومت سختی از سوی بغداد مواجه شوند بلکه نگران این نیز هستند که ایران در پی سنگ اندازی بر سر راه تحقق آرمان‌های کردهاست. مقام‌های حزب دموکرات کردستان و حزب میهنی کردستان بارها بر ضرورت حفظ روابط خوب خود با تهران تأکید کرده‌اند و از کمک‌های ایران به کردها پس از حملات شیمیایی صدام به حلبچه در مارس ۱۹۸۸ و نیز پس از سرکوب شورش کردها در آوریل ۱۹۹۱ قدردانی کرده‌اند (گفتگوی گروه بحران، تهران، ۲ اکتبر ۲۰۰۴). یکی از مقام‌های حزب اتحادیه میهنی کردستان گفت "ما نه می‌توانیم ایران را نادیده بگیریم و نه می‌توانیم با آنها دشمنی کنیم. در گذشته زمانی که همه علیه ما بودند آنها به ما کمک کرده‌اند. ما نمی‌خواهیم هیچ مشکلی با ایران داشته باشیم (CGI, 2 November 2004). از سوی دیگر، آنها نشان دادند که نیت خوب ایران نسبت به کردها را درک کرده‌اند که بر اساس انتظاری است مبنی بر اینکه کردهای عراق برای استقلال خود فشار نیاورند و هم‌تایان کرد خود در ایران را برای فشار جهت استقلال بیشتر تحریک نکنند (CGI, October - November, 2004). ایران در اوایل دهه ۱۹۹۰ بخشی از متحد تاکتیک با سوریه و ترکیه بود تا وجود کردهای حامی ایالات متحده در شمال عراق را مهار کنند و روابط نزدیک کردها با آمریکا را بر هم بزنند. ایران در عین حفظ منافع استراتژیک‌اش در شمال عراق به کردها خاطر نشان می‌سازد که از چه چیز می‌توانند دفاع کنند و در این راه از اهرم‌های زیادی استفاده کرده است. از یک طرف روابط اقتصادی خود را با کردها گسترش می‌دهد و از سوی دیگر عملیات اطلاعاتی خود را به اجرا درآورده و به شکلی از شورشیان اسلام‌گرا همچون انصارالاسلام حمایت می‌کند (سخنگوی دولت منطقه ای کردستان ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۷).

تجارت مرزی از زمان سقوط رژیم بعث رونق گرفته است و سرمایه‌گذاری‌های ایرانیان در شمال عراق در حال گسترش است به ویژه در منطقه سلیمانیه، گفته می‌شود قراردادهای ساخت و ارتباطات با شرکت‌های خصوصی ایران منعقد می‌شود به طوری که منطقه آزاد

کیش با کردستان عراق جهت مبادلات دو جانبه یک تفاهمنامه همکاری امضاء کرده است (New agency irna , 30 april 2007).

کردهای عراق همچنین به واردات گاز ایران وابسته‌اند (saberi , 10 may ,2002). رهبران کردها از این سرمایه‌گذاری استقبال کرده‌اند و این توسعه و پیشرفت در شمال عراق را تشویق می‌کنند ولی اظهار نگرانی کرده‌اند که آژانس‌های اطلاعاتی ایران به طور معمول در افراد ایرانی که در این زمینه قرارداد می‌بندند نفوذ دارند. به طور کلی محدود دانستن نفوذ ایران در عراق به شیعیان، نشان از ساده لوحی است، همان طور که یکی از تحلیل‌گران نیز معتقد است در طول مدتی که اتحادیه میهنی و حزب دموکرات، کردستان عراق را تحت قواعد منطقه پرواز ممنوع اداره می‌کردند، ایران همواره به عنوان یک بازیگر مثبت در سیاست‌های کردهای عراق مطرح بود (لیدیا خلیل، ۲۰۰۷). گرچه ایالات متحده در تلاش برای کاهش نفوذ ایران در عراق، تضعیف روابط ایران با کردها را در دستور کار خود قرار داده و در ژانویه ۲۰۰۷ پنج کارمند ایرانی را ربود، اما مقامات رسمی کرد نیز نسبت به بازداشت نیروهای ایران توسط آمریکایی‌ها اعتراض نشان داده و آن را غیرقانونی اعلام کردند (James glanz, 2007).

۳_ جهت‌گیری سیاستگذاری امنیتی ایران در قبال شیعیان و احزاب شیعی بعد

از اشغال عراق

گفته می‌شود نخستین عاملین نفوذ ایران در جنوب عراق، احزاب عراقی هستند که پس از سرنگونی رژیم بعث از تبعید در ایران به کشورشان بازگشتند. از جمله، شورای عالی انقلاب اسلامی در عراق و حزب الدعوة که به سه یا چهار گروه شاخه بندی شده‌اند که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۷۰ به خاطر مخالفت با رژیم بعث به فعالیت‌های زیرزمینی روی آوردند و بسیاری از اعضای آنها کشته و متواری و عده‌ای در دهه ۱۹۹۰ به خارج از عراق پناه بردند. این احزاب در ایران پیرو اندیشه‌های ولایت فقیه امام خمینی بودند و از رژیم ایران به شدت حمایت می‌کردند.

شورای عالی انقلاب عراق نیز سال ۱۹۸۲ در ایران تشکیل شد. شاخه نظامی آن، نیروهای بدر نیز تشکیل و توسط نیروهای سپاه قدس ایران آموزش دیدند و در جنگ ایران و عراق به نفع ایران جنگیدند (سیدمحمد حیدری، ۱۳۶۰/۲/۱۶). این احزاب به محض بازگشت به عراق آشکارا استقلال خود را از ایران اعلام کردند و تأکید کردند که در پی ایجاد یک دین سالاری شیعی در عراق نیستند. حمیدالبیاتی از اعضای شورای عالی انقلاب عراق و وزیر امور خارجی دولت وقت نیز گفت «ما معتقدیم که عراق باید یک نظام پارلمانی، قانونی و دموکراتیک داشته باشد. ما به یک دولت شیعی یا دولت دینی معتقد نیستیم. نمی‌توانم روشن‌تر از این بگویم. ما

خواهان نظامی دموکراتیک هستیم که به باورهای تمامی گروه های مذهبی احترام بگذارد، سنی، شیعه و مسیحی. ما متفاوت از ایران هستیم، ما عراق هستیم» (CGI, Baghdad, 6 October, 2004) و عبدالعزیز حکیم، از رهبران شورای عالی انقلاب عراق که رهبری جبهه اعلای انقلاب اسلامی را بر عهده داشت و در انتخابات ژانویه ۲۰۰۵ پیروز شد، ابراز داشت که "گروه ما به تقسیم قدرت با تمامی شاخه های عراقی معتقد است ما بر این باوریم که عراق برای تمامی عراقی هاست" (CGI, Baghdad, 6 October, 2004).

در طول جنگ عراق هم مقام های آمریکایی و هم رهبران شورای عالی انقلاب اسلامی عراق در مورد دخالت دیگران در عراق احساساتی گیج کننده از خود نشان می دادند در حالی که مقام های آمریکایی شورای عالی انقلاب اسلامی عراق را به عنوان پلی مهم برای جامعه شیعی در عراق تلقی می کردند، در عین حال واهمه داشتند که آن به مثابه یک نامزد انحرافی برای ایران است. از اینرو، رهبران شورای عالی انقلاب اسلامی عراق در عین حال که از حمله آمریکا برای عراق و سرنگونی رژیم حمایت کردند، در عین حال پس از سخنرانی بوش در ژانویه ۲۰۰۲ در مورد محور شرارت تفکرشان را نسبت به ابران کمی تعدیل کردند. (Daily star, 29 January 2005) با وجود این، نگرانی های آمریکا از رابطه شورای عالی انقلاب اسلامی عراق با ایران هنوز به قوت خود باقی است. مقام های آمریکایی ادعا می کند که اعضای نیروهای سپاه بدر پس از سرنگونی صدام در عراق نفوذ کرده اند تا اردوگاههای نظامی ایجاد کرده و با انجام عملیاتی در شهرهای نزدیک به مرز ایران که برخلاف خواسته های آمریکاست، منافع ایران را گسترش دهند (Abdin, , October 2003).

عادل عبدالمهدی یکی از رهبران ارشد شورای عالی انقلاب اسلامی عراق اعلام کرد که تنش های اولیه گمان های آمریکا را بالا برد که نیروهای بدر توسط ایران کنترل می شد اما وی با رد این اتهام گفت «مبارزان سپاه بدر حرفه ای هایی هستند که با درجه بالایی با این هدف به سپاه بدر پیوستند که با صدام جنگ کنند نه برای خدمت به ایران» ("Sunday Telegraph", 25 may, 2003).

عدنان کاظمی معاون ابراهیم جعفری نخست وزیر سابق عراق در برابر ایران هم اظهار نگرانی و هم همدردی کرد. وی اظهار داشت که تهران نشان داده است که نسبت به حاکمان عراق نیت خوبی دارد و نخستین کشوری (خارج از ائتلاف) است که شورای موقت عراق را به رسمیت شناخت و هیاتی را برای ملاقات با این شورا به عراق فرستاد و نیز ایران نخستین کشوری بود که سفارتش را در بغداد بازگشایی کرد. وی همزمان اظهار نگرانی کرد و گفت که: «ایران می تواند برای ما مسأله ساز باشد. ما نمی خواهیم تنش بوجود آوریم و با آنها جنگ

کنیم. ما به روابط یکدیگر نیازمندیم. ترجیح می‌دهیم با آنها گفتگو کنیم و به یکپارچگی سرزمینی یکدیگر احترام بگذاریم» (CGI, Baghdad, 21 October, 2004).
از موارد دیگر می‌توان به مقتدی صدر اشاره کرد که فرماندهی بخشی بزرگ از شیعیان طبقه پائین و محلات فقیرنشین را بر عهده دارد.

مقام‌های تهران حمایت خود از صدر را انکار کرده و در گفتگوهای با گروه بحران بین‌المللی از او به عنوان (اسباب زحمت) و مزاحم یاد کرده‌اند. یکی از مقام‌های ارشد وزارت خارجه ایران اظهار داشت: مردم دوست ندارند که صدر تلاش کند در عراق نقشی ایفا کند وی سپس تصریح کرد که «با این حال پیامدهای آنچه صدر در عراق انجام می‌دهد شاید برای ایران سودمند باشد» (CGI, 25 September, 2004). در همین مورد، هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت ایران، از مبارزه صدر علیه نیروهای اشغالگر در آوریل ۲۰۰۴ ستایش کرد و اظهار داشت: «برعکس گروه‌های حاضر تروریستی در عراق، گروه‌های قدرتمند دیگری وجود دارد که به امنیت ملت عراق کمک می‌کنند... در میان آنها می‌توان به ارتش مهدی، که متشکل از جوانان پرشور و قهرمان عراق است اشاره کرد» (Reuters, 9 April, 2004). همچنین کمال خرازی، وزیر سابق امور خارجه ایران به روزنامه نگاران آمریکایی گفت: «ما مقتدی صدر را هدایت نکرده ایم، ما از او پشتیبانی مالی نکرده ایم ولی ما تلاش کرده ایم که او را معتدل کنیم و کنترل کنیم» (loss angles times, 2004). یکی از دیپلمات‌های غربی نیز گفته بود «صدر تا حدی مفید و سودمند است و ایران او را پشتیبانی مالی و تسلیحاتی می‌کند، ولی فکر نمی‌کنم بخواهند از او یک چهره برجسته سیاسی در عراق درست کنند، او سرکش تر از آن است که بتوان با او کنار آمد» (CGI, 30 September, 2004).

حاصل آن که ایران باید از فرصت استفاده برای وارد کردن شیعیان در نظام سیاسی آینده عراق و سایر کشورها استفاده کند. طبیعی است که این مسأله باید ذیل اصلاحات و در چارچوب حقوق و هنجارهای نظام بین‌المللی صورت گیرد. تجربه نشان داده است که فعالیت‌های سیاسی در نهایت با مقاومت دولتها مواجه شده و حتی می‌تواند به منافع ایران ضربه زند. بنابراین از هم اکنون باید کار فرهنگی غیردولتی (قدرت نرم) در مورد شیعیان عراق در صدر برنامه‌های امنیتی نظام قرار گیرد (نقش شیعیان در فرآیند دولت‌سازی در عراق، موسسه ابرار معاصر، مرداد ۱۳۸۳ ص ۱۲۶). به طور مثال ایران سالی ۲۰ میلیون دلار برای ساخت و ارتقای تسهیلات برای زوار در شهر نجف و سالی ۳ میلیون دلار برای شهر کربلا هزینه می‌کند (Wang, Edward: 2007) که این خود در موفقیت سیاستگذاری‌های امنیتی ج.ا.ا در عراق بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

۴_ همگرایی کردها و شیعیان؛ نقطه موفقیت سیاستگذاری های امنیتی ج.ا.ا.

اتحاد شیعیان و کردهای عراق ریشه های تاریخی دارد که مخالفت مشترک آنها با صدام حسین یکی از آنها محسوب می شود اما این اتحاد اخیراً به دلیل منافع مشترک تقویت شده است، هر دو خواهان خود مختاری در منطقه ای از عراق که اکثریت را در آن دارند، می باشند. عبدالعزیز حکیم، روحانی شیعه و رئیس شورای انقلاب اسلامی عراق که خواهان کشوری مذهبی است نیز در مواضع جدید خود سعی در تحکیم روابط شیعیان و کردها کرده که با استقبال کردها مواجه شده است. وی با این کار خاطره پذیرش آیت الله سید محسن حکیم را در اذهان کردها زنده کرد (لس آنجلس تایمز). آیت ا... سید محسن حکیم در سال ۱۹۶۳ همزمان با به قدرت رسیدن سنی ها و سرکوب کردها با صدور فتوایی بی سابقه به شیعیان دستور داد تا از جنگیدن علیه کردها به عنوان برادران مسلمان خودداری کنند که در آن برهه همه شیعیان سلاح های خود را زمین گذاشتند و از دستورات فرماندهان خود سرپیچی کردند (شفیعی، ۱۳۸۳).

با توجه به توانایی ها و قابلیت هایی که ایران در میان کردها و شیعیان عراق دارد ائتلاف و همگرایی کردها و شیعیان برای ایران نه تنها امری مطلوب و ممکن، بلکه ضروری است که البته طبعاً با موانعی مواجه است.

یکم: ضرورت ها

۱- ایران از ناحیه حکومت تمرکزگرا با محوریت اعراب سنی، لطمات جدی دیده است. چنین حاکمیتی لاجرم به سمت نظامی گری و ضدیت با ایران گرایش می یابد. لذا مطلوب ایران تقسیم قدرت و تمرکززدایی از طریق تشکیل نظام فدرالی استانی است. طبعاً این مهم تنها از طریق مشارکت و تعامل اعراب شیعه و کردها محقق خواهد شد. در غیر این صورت بازگشت به وضعیت پیشین یا تجزیه عراق و یا ایجاد نظام فدرالی قومی (نه استانی) متصور می باشد که هیچ یک مطلوب ایران نیست. همگرایی شیعه و کرد، مانع از قطبی شدن قدرت یا هرج و مرج و بی سامانی اوضاع آینده عراق است.

۲- کردها و شیعیان هیچ یک به تنهایی از اکثریت، توانمندی و مقبولیت کافی برای ادامه امور عراق برخوردار نیستند. البته هر یک از این دو به تنهایی دارای قدرت بازدارنده و سلبی کافی هستند. محدودیت های فرا روی آنان تنها به عوامل داخلی و رقابت و کارشکنی هواخواهان و مدافعان وضعیت پیشین و بعضی ها باز نمی گردد. بسیاری از کشورهای عربی نیز مخالف قدرت یافتن این دو گروه هستند با وجود این همه رقیب و دشمن داخلی و خارجی، چاره ای جز همگرایی و ائتلاف باقی نمی ماند.

۳- کردها و شیعیان مکمل مناسبی برای یکدیگر هستند و می‌توانند به خوبی یکدیگر را پوشش دهند. سابقه همکاری آنان در قالب معارضة رژیم بعث طی دو دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی، الگوها و تجارب قابل توجهی به همراه داشته که در صورت تطبیق با شرایط جدید می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

دوم: محدودیت‌ها

۱- فقدان اجماع، رقابت درون گروهی و قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی رایج در میان نخبگان عراقی اعم از شیعه یا کرد به شکل جدی می‌تواند همکاری این دو گروه در درازمدت را مخدوش سازد. نبود تجربه شراکت در قدرت و فعالیت فراکسیونی و پارلمانی و وجود برخی ذهنیت‌های بد تاریخی نیز خالی از تأثیرگذاری منفی نیست. در چنین شرایطی برخی نخبگان هر دو طیف ممکن است ساز تک روی کوچک کنند.

۲- بی‌برنامگی و نبود طرح مشترک برای طراحی و مشارکت در بازی قدرت مانع و محدودیت دیگری است. هر چند کردها با توجه به تجربه ۱۵ ساله حکومت خودگردانی در شمال مدار ۳۶ درجه وضعیتی بهتر از شیعیان دارند؛ اما در حوزه طراحی و اقدام آنها نیز نگرش محلی داشته‌اند و نه ملی. اهتمام به رفع این خلاء ضامن بقاء شیعه و کرد در عراق آینده خواهد بود (حق پناه، ۱۳۸۴: ۱۱).

به طور کلی شیعیان و کردها به مثابه متحدان استراتژیک، نیازمند و مکمل یکدیگر در آینده هستند و فقط این ائتلاف است که می‌تواند در موفقیت سیاستگذاری‌های امنیتی ایران در عراق تأثیر مثبت داشته باشد. سیاست ج.ا.ا. از دوران فعالیت معارضة رژیم بعثی در دهه ۱۹۹۰ مبتنی بر گسترش و تقویت پیوند ایندو بوده و پس از سقوط رژیم صدام حسین نیز به همین منوال عمل شده است. اما در تداوم این روند می‌بایست توجه داشت که سیاست مزبور نمی‌بایست منجر به غفلت از دیگر نقاط اتکاء ایران در عراق گردد.

در عراق ائتلاف میان شیعیان و کردهاست که هم می‌تواند ناسیونالیسم عربی شیعیان را به نفع همگرایی با کردها تعدیل کند و هم توجه کردها را به خارج از مرزها یعنی اسرائیل و آمریکا کم‌رنگ کند، که در هر دو حالت در راستای موفقیت سیاستگذاری‌های امنیتی ج.ا.ا. در عراق می‌باشد. هر چند دولت جدید در عراق هویت عربی خواهد داشت، اما ناسیونالیسم عربی را که در همه حال به ضرر ج.ا.ا. است را به نفع همگرایی کردها که در راستای منافع امنیتی ج.ا.ا. است طرد خواهد کرد.

اما تمایل به حفظ تمامیت ارضی عراق و همگرایی کردها با شیعیان بیشتر به علت نگرانی کردها از تهدید نظامی ترکیه است که در صورت حمایت از سوی ارتش ملی در عراق احتمال محلی شدن آن ضعیف خواهد بود. از سوی دیگر اختلافاتی میان کردها و شیعیان

(گروه عبدالعزیز حکیم) وجود دارد که تأثیراتی منفی بر ائتلاف میان آنها می‌گذارد که بر سیاستگذاران امنیتی ج.ا.ا لازم می‌آید این اختلافات را که اکثراً شیعیان بر آن دامن می‌زنند را از میان بردارند.

فرض مطلوب ایران این است که کردها و شیعیان به قدرت برسند. زیرا هر قدر تکثر در عراق بیشتر باشد میل به نظامی‌گری و رادیکالیسم کمتر می‌شود (حق پناه، ۱۳۸۱: ۷). حرکت شیعیان باید به سمت ائتلاف با دیگر نیروهای عراقی باشد و مناسب است برای تعیین ساختار دولت، ائتلاف با کردها در دستور کار قرار گیرد. ائتلاف با کردها هم عملی است چون بر خلاف سنی‌ها آنان ضمن داشتن یک ترکیب، طرف توافق مشخصی دارند و از سویی در صورتی که شیعیان با آنها توافق نکنند ممکن است به محوری تبدیل شوند که اقلیت‌های پارلمان به سمت ائتلاف با آنها بروند و حلقه‌ای در مقابل شیعیان تشکیل دهند (حق پناه، ۱۳۸۳، ۶۰).

کوتاه سخن آن که اگر این اختلافات به قوت خود باقی بمانند، در این صورت گروه عبدالعزیز حکیم و ج.ا.ا بازندگان اصلی خواهند بود زیرا کردها را به طرف سنی‌ها خواهند راند. از طرفی سیاست‌های امنیتی ج.ا.ا نیز باید در راستای تعدیل افکار شیعیان باشد زیرا هر گونه واگرایی میان کردها و شیعیان اثرات مخربی را بر موفقیت سیاستگذاری‌های امنیتی ایران در قبال عراق خواهد داشت.

۵_ آمریکا و ائتلاف کردها و شیعیان

نقش آفرینی یا دخالت جویی قدرت برتر خارجی یعنی آمریکا نیز در اینجا حایز اهمیت است. هر چند این کشور در قالبی استراتژیک (و نه تاکتیکی) روند موجود را پذیرفته و تداوم آن را نیز می‌پذیرد، اما تجربه ناشی از تحلیل رفتار ایالات متحده در عراق اشغالی نشان از تغییر پذیری جدی طرح‌های آمریکا دارد. نگاه آمریکا به ائتلاف شیعیان و کردها متأثر از تأثیر این همگرایی در دو حوزه است.

- پیامدهای داخلی و تأثیر آن بر جایگاه دیگر گروه‌های سیاسی و در نتیجه میزان ثبات سیاسی در عراق در چارچوب نگاه کلان آمریکا به این کشور در قالب الگوسازی در طرح خاورمیانه بزرگ.

- پیامدهای منطقه‌ای از جمله میزان نفوذ ایران در عراق و واکنش سایر کشورهای عربی و همسایگان عراق (حق پناه، ۱۳۸۴: ۱۴).

به نظر می‌رسد دست کم در کوتاه مدت و میان مدت با توجه به اولویت با ثبات سازی عراق، چنین ائتلافی از منظر کاخ سفید کارکرد مثبتی برای آنها دارد و هیچ یک از دو جریان

شیعی و کردی صبغه و کارکرد ستیزانه ندارد و اتفاقاً به مثابه گرانیگاه ثبات عمل می‌کنند. بالعکس حذف آنها موجبات تداوم و افزایش نا امنی را فراهم می‌آورد. اما اگر دغدغه آمریکا در مورد افزایش نفوذ ایران از ناحیه قدرت یابی متحدانش در عراق به عنوان دلمشغولی آمریکا مطرح شود در پاسخ باید گفت که اولاً در هر دو طیف عناصر موثری هستند که به‌رغم داشتن ارتباطاتی با ایران، بسیار معتدل عمل کرده و از این لحاظ نگرانی چندانی برای هیچ کشوری ایجاد نکرده اند، ضمن اینکه آمریکا علاوه بر داشتن ابزارهای کنترلی موثر، به لحاظ داشتن ارتباطات قومی با کردها می‌تواند بر مدیریت ائتلاف اعمال نفوذ نماید، گرچه بنا به گفته محمود عثمان از اعضای شورای انتقالی آمریکا در قبال کردها همیشه بر اساس منافع خود عمل می‌کند (محمود عثمان، آشتی، ۱۳۸۳). علاوه بر این حدی از نفوذ و تأثیرگذاری ایران بر تحولات عراق، همانند نفوذ و تأثیرگذاری سایر بازیگران منطقه‌ای، از نظر آمریکا طبیعی و پذیرفته شده است، ضمناً کارکرد ایران به یاری همین دو گروه متحد خود در عراق، متضمن و در راستای ایجاد ثبات و آرامش در عراق بوده که از نگاه آمریکایی‌ها سازنده و مثبت است. بنابراین حداقل در میان مدت ائتلاف مزبور، واکنش منفی آمریکا را در پی ندارد.

نتیجه

کردها و شیعیان مکملی مناسب برای یکدیگرند و می‌توانند به خوبی یکدیگر را در برابر تهدیدات احتمالی پوشش دهند ایران از ناحیه حکومت تمرکزگرا با محوریت اعراب سنی، لطمات جدی دیده است. بنابراین فرض مطلوب برای ایران آن است که کردها و شیعیان به قدرت برسند همانطور که در حال حاضر نیز مناصب ریاست جمهوری و نخست وزیری را به خود اختصاص داده اند، زیرا هر قدر تکثر در عراق بیشتر باشد میل به رادیکالیسم در لباس نظامی کمتر می‌شود. ایران گرچه برای گسترش نفوذ خود در عراق از ریاست جمهوری جلال طالبانی دفاع کرد اما همواره حرکت کردهای عراق را به عنوان تهدیدی علیه امنیت خود تلقی کرده و نگران آن بوده که کردهای ایرانی نیز تحت تأثیر گفتمان‌های سیاسی آنها قرار گیرند. حداقل در کوتاه مدت نیز کردهای عراق گرایش‌های تجزیه‌طلبانه را از خود نشان نمی‌دهند زیرا آنها هم اکنون خود را در جایی می‌بینند که با قرار گرفتن در جایگاه سمبلیک ریاست جمهوری عراق، جدا شدن از این کشور و تشکیل کشور مستقل کرد برای آنان نمی‌تواند جذابیت چندانی داشته باشد.

همچنین باید توجه داشت که، ائتلاف میان شیعیان و کردها می‌تواند ناسیونالیسم عربی شیعیان را به نفع همگرایی با کردها تعدیل و توجه کردها را به خارج از مرزها یعنی اسرائیل و

آمریکا کم‌رنگ کند. بنابراین همگرایی بین کردها و شیعیان اشکال مثبت ذیل را برای ایران در پی دارد:

۱. از منظر فرهنگی، مذهبی و نژادی، کردها و شیعیان را عمیقاً به ایران ربط می‌دهد.
 ۲. عنصر عرب سنی را در داخل عراق محدود می‌کند.
 ۳. باعث فاصله گرفتن عراق از سیاست‌های جهان عرب با صبغه ای سنی و ضد ایرانی می‌گردد.
 ۴. کمربند شیعی را از عراق تا لبنان برای ایران ایجاد می‌کند.
 ۵. حمایت از عنصر کردی در این همگرایی باعث تعدیل رفتار سیاسی ترکیه نسبت به ایران می‌شود.
 ۶. حمایت از اکراد عراقی در جهت رسیدن آنان در ساختار مشارکت سیاسی به همراه شیعیان باعث حمایت کردهای ترکیه و سوریه می‌شود که این خود بخود یک منطقه کردی که از توروس تا زاگرس را شامل می‌شود را نیز در حمایت از منافع ایران در پی دارد.
- بنابراین ایران باید به ارتقای روند دموکراتیک در عراق با هدف حضور قدرتمند شیعیان و کردها در حکومت جدید ادامه دهد، اولویت دیگر ایران نیز باید جلوگیری از ظهور دوباره عراق به عنوان یک تهدید چه نظامی چه سیاسی و چه ایدئولوژیک باشد. از این رو، همگرایی کردها و شیعیان در عراق در سطح کلان می‌تواند یک منطقه قرنطینه بزرگ را که شامل هلال شیعی و منطقه کردی می‌باشد برای امنیت ملی ایران فراهم کند.
- در پایان بار دیگر باید خاطر نشان ساخت از میان گزینه‌های مختلف سیاستگذاری امنیتی ایران در عراق، سیاست راهبردی، همگرایی بین کردها و شیعیان است. مسأله‌ای که در موفقیت سیاستگذاری‌های امنیتی ایران در عراق حائز اهمیت است این موضوع است که به کردها و شیعیان نشان داد مهم‌ترین گزینه برای آینده‌ای بهتر برای آنها ائتلاف با یکدیگر است. فراموش نکنیم هر گونه واگرایی میان کردها و شیعیان در عراق اثرات مخربی را بر موفقیت سیاست‌گذاری‌های امنیتی ایران در قبال عراق خواهد داشت.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

- ۱- فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۸، زمستان ۱۳۸۳، ایران و بحران بین‌المللی عراق، چالش‌ها و واکنش‌ها ص ۸۰۷
- ۲- عزتی، عزت‌الله، ۱۳۸۰، نگاه، سال چهارم، شماره ۴۳، فروردین و اردیبهشت.
- ۳- قومیت و قومیت‌گرایی احمدی، حمید، قومیت و قومیت‌گرایی در ایران، افسانه یا واقعیت، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷.
- ۴- کاویانی، مراد، سه شنبه ۲۰ بهمن ۱۳۸۳، روزنامه ایران.
- ۵- شرق، شماره ۳۸۰، یکشنبه ۱۳ دی ۱۳۸۳.
- ۶- امکان سنجی ائتلاف شیعیان و کردها، جعفر حق پناه، شماره ۴۸-۵-۳-۱-۳۸۴-۱۳۸۴ خرداد ۱۳۸۴ ص ۱۴، گزارش پژوهشی.

- ۷- شماره ۱۸۵۵-۶-۱۳۸۳-۱ ص ۶۰، عراق پس از تحولات ۲۰۰۳، فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران.
- ۸- گزارش پژوهش، کردها و تحولات آتی عراق، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۵-۱-۳-۱۳۸۱. تألیف، جعفر حق پناه ص ۷.
- ۹- امکان سنجی ائتلاف شیعیان و کردها در عراق پس از انتخابات ۳۰ ژانویه، جعفر حق پناه، شماره ۴۸-۱-۳-۱۳۸۴ خرداد ۱۳۸۴.
- ۱۰- نقش شیعیان در فرآیند دولت‌سازی در عراق، موسسه ابرار معاصر، مرداد ۱۳۸۳.
- ۱۱- همشهری دیپلماتیک، نیمه اول اردیبهشت ۱۳۸۳ - apr2004 - شماره ۱۱، دکتر نوذر شفیعی.
- ۱۲- لس آنجلس تایمز htm عملیات روانی - ائتلاف شیعیان کردهای عراق و تضعیف اهداف آمریکا file://A|Reuters, 9 April 2004
- ۱۳- چهاردهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس در دفتر مطالعات سیاسی در وزارت امور خارجه، دکتر نیلوفر ناردی، مجله نگاه، سال چهارم، شماره ۴۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳ ص ۷۰.
- ۱۴- به گفته دکتر شوکت بامارنی، رئیس دفتر حزب دموکرات کردستان در تهران (زمانی که حلبچه در سال ۱۹۹۸ بمباران شیمیایی شد. ایران تنها کشوری بود که به ما کمک کرد، گفتگوی گروه بحران، تهران، ۲ اکتبر ۲۰۰۴).
- ۱۵- مصاحبه با سید محمد حیدری، عضو شورای مرکزی مجلس اعلاء و مسئول سابق فعالیت‌های نظامی مجلس اعلاء، تهران ۱۳۶۰/۲/۱۶.
- ۱۶- سخنگوی دولت منطقه ای کردستان ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۷ و در سایت اینترنتی (www.Krg.org/articles/detail.asp)
- ۱۷- آشتی - سال اول - شماره ۸ - شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۳ - مصاحبه اختصاصی با محمود عثمان از اعضای شورای انتقالی .
- ۱۸- لیدیا خلیل، دستهای پنهان در شورش‌های گروه انصار السلام /terrorism monitor/ سال پنجم / شماره ۱۱ و ۲۰۰۷.

ب- خارجی:

- 1- Crisis Group Interview (CGI), see Human Right watch, "Iraq Crime of Genocide, 2004.
- 2- Crisis Group Interview, October – November 2004.
- 3- Crisis Group Interview, Baghdad, 6 October 2004.
- 4- Agency France – press, "Hakim: Balancing old dreams of political Island with new hopes of democratic Iraq". Daily star, 29 January 2005.
- 5- Mahan Abdin, "Dossier: the supreme council the Islamic revolution in Iraq", Middle East intelligence Bulletin, October 2003.
- 6- Accusation by U.S General john, quoted in "Sunday Telegraph", 25 may 2003.
- 7- Crisis Group Interview, Baghdad, 21 October 2004.
- 8- Quoted in "Maggie Farley and Marjorie", Iran Backs Holding Iraqi vote on time, Loss Angles times, 30 September 2004 .
- 9- Crisis group interview with hama said .head of PUK political bureau in the sharezur region , halabja . 2noweber 2004).
- 10- Iraqi Kurdistan ,kish FTZ ink MOU ,Islamic republic new agency irna ,www, irna.ir, 30 april 2007) .
- 11- James glanz , g.i in Iraq raid Iranian offices , new York times , January ,12, 2007 .
- 12- Accusation by U.S General john, quoted in "Sunday Telegraph", 25 may 2003.
- 13- Crisis Group Interview with mostafa zahrani , ,25 September 2004 .
- 14- Quoted in Maggie Farley and Marjorie", Iran Backs Holdin Iraqi vote on time, Loss Angles times, 30 September 2004.
- 15- wang.edward:iran in playing a growing role in Iraq economy ,www .ny times .com ,17 march 2007).
- 16- (New agency irna ,www,irna.ir , 30 April 2007) .
- 17- saberi ,Roxana : Iraqi Kurds split between Iran's & us, <http://news.bbc.co.uk/middle east .> 10 may 2002.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

"حاکمیت قاجارها، امیرکبیر و اصلاحات"، سال ۷۹، شماره ۵۰؛ "بازنگری اقتصاد، سیاست و جامعه ایران در آستانه قرن نوزدهم"، سال ۸۰، شماره ۵۲؛ "آسیب شناسی ظهور و کارکرد نخستین جراید تشکیلاتی ایران در دهه اول مشروطیت"، سال ۸۸، شماره ۲.